

دل‌هایی که در هوای دریند صفا می‌گیرند



خیابان شهید زمانی بعد از پیچ اول خیابان دریند منتظر قدم‌های پیرمرد باصفایی است که عینک رنگ و رو رفته کائوچویی‌اش به این نقطه شهر نمی‌آید. او آیت‌الله محمد ضیاءآبادی از شاگردان برجسته امام(ره) و آیت‌الله بروجردی است.

خیابان شهید زمانی بعد از پیچ اول خیابان دریند منتظر قدم‌های پیرمرد باصفایی است که عینک رنگ و رو رفته کائوچویی‌اش به این نقطه شهر نمی‌آید. او آیت‌الله محمد ضیاءآبادی، از شاگردان برجسته امام(ره) و آیت‌الله ده‌خدا، است. به گزارش خبرگزاری فارس، همه ما تحریش و خیابان دریند را به پنحشنبه‌ها و جای و کباب می‌شناسیم. کمتر کسی هست که در طول زندگی‌اش در شهر بی‌درو و بیکر تهران، دل از این دود و دم و ترافیک نبریده و راهی دریند نشده باشد. اما اینها تمام دریند و کوجه‌های باصفای آن نیست. دوشنبه‌ها صفا صفا دیگری به آب و هوای بالای شهر اضافه می‌شود. دیگر بحث کورس گذاشتن ماشین‌ها نیست و اصلاً پای چشم و همچشمی هم به میان نمی‌آید. خیابان شهید زمانی بعد از پیچ اول خیابان دریند منتظر قدم‌های پیرمرد باصفایی است که اطرافیان آقا صدایش می‌کنند. عینک رنگ و رو رفته کائوچویی‌اش به این نقطه شهر نمی‌آید. او آیت‌الله محمد ضیاءآبادی از شاگردان برجسته امام(ره) و آیت‌الله بروجردی است. آرام‌آرام وارد مسجد می‌شود. آدم‌های مشتاق از هر گوشه شهر اینجا جمع شده‌اند تا دل‌هایشان را با صحبت‌های حاج‌آقا جلا بدهند. * **ایستگاه سعادت؛ چند قدم پایین ترماهنامه «؛آیه»** دوره جدید شماره 11 می‌نویسد: صدای مناجات‌خوان فضای بعد از نماز را نرم‌تر می‌کند. تا حاج‌آقا پشت به کتابخانه سفیدرنگ مسجد روی صندلی کوچکش بنشیند، مدعوبین هم با یک جای پذیرایی شده‌اند. کسانی که اینجا آمده‌اند دعوت نشده‌اند. انگار جلسه عمومی است. اما کار آسانی نیست که چشم از رستوران‌های پرزرق و برق بالای شهر ببوشانی و به جای جای و قلیان چایخانه‌های منطقه دریند، تنها جای مسجد علی بن حسین(ع) را انتخاب کنی تا دلت رنگ و بوی دیگری بگیرد. صحبت‌های حاج‌آقا شروع می‌شود تازه می‌فهمی این آمدن‌ها آنچنان که همه فکر می‌کنند دست خود آدم نیست. اتفاقاً حاج‌آقا بحث حرکت روح را پیش کشیده است؛ «؛هدف از برگزاری این جلسات چیست؟ آیا فقط برای ثواب بردن است؟ اصلاً ثواب یعنی چه؟ ثواب آخرت در اصل همان تجلی و نمود ملکات فاضله روح انسان در دنیاست. در روح ملکاتی معنوی پیدا می‌شود که تک‌تک آنها در آخرت نمود و بروز بیرونی پیدا می‌کنند و به بهشت حورالعین تبدیل می‌شوند یا ملکات رذیله به عقاب و عذاب بدل می‌شوند. باید روحان را حرکت دهید که به قم و مشهد بروند نه جسمتان را. اگر تنها جسمتان برود باز همان آش و همان کاسه است. با حرکت جسم به مکه و مشهد و قم و دعا خواندن جسمی ثوابی حاصل نمی‌شود. باید روح را به حرکت واداشت. روح باید به مکه و مجالس اهل بیت(علیهم‌السلام) برود. برای حرکت روح باید اول ائمه را شناخت و بعد نسبت به آن بزرگواران محبت پیدا کرد. با محبت است که محب به سمت محبوب کشیده می‌شود. اگر محب به رنگ محبوب در نیامد، دروغ است و آنچه هم می‌گوید از روی احساسات است. به همین دلیل است که امروز شیعیان کم هستند و محبان فراوان». * **قلق همه دستشان است** دور مجلس را افراد مسن و جوانان پرکرده‌اند. با توجه به دوری مسیر، باز هم مسجد بزرگ علی بن حسین(ع) دریند مملو از عاشقان معارف اهل بیت(علیهم‌السلام) است. آیت‌الله ضیاءآبادی از هم‌دوره‌های آیت‌الله مجتهدی تهرانی بوده و همان تاثیر کلام و شیرینی بیان ایشان را هم در او می‌توان سراغ گرفت. حاج‌آقا با چشمان مهربان برخی اوقات نگاه بانفوذی را نثار وجود جوانان می‌کند و در میانه بحث به ریش سفیدان مجلس لیخند می‌زنند. کودکانی هم در گوشه و کنار مسجد دیده می‌شوند. ایشان اصلاً قلق کار همه دستشان است. بحث امام زمان(عج) و مادرشان فاطمه زهرا(س) مطرح است. حاج‌آقا فضایل خانم را می‌شمارد و در فواصل صحبت‌هایش به امام زمان(عج) هم اشاره می‌کند. آیت‌الله ضیاءآبادی در باب مادری این بانوی مکرم اسلام توضیح می‌دهد؛ «؛حضرت، مادر روحی تمام ائمه هستند. نه تنها تمام ائمه بلکه هر کسی که در طول تاریخ به مقام نبوت رسیده، قبل از آن به محور محبت حضرت زهرا(س) وصل شده. زیرا ایشان کبری هستند. تمامی امت‌های پیشین حول محور محبت حضرت می‌چرخند. این بانوی بزرگوار مادر نبوت و مادر امامتند و انوار ائمه از ایشان گرفته شده. دقت کنید حضرت، مادر جسمی تمامی ائمه نیستند. مادر جسمی حضرت مهدی(عج) نرجس خاتون است ولی او نمی‌تواند مادر امامت امام زمان(عج) هم باشد. مادر روحی حضرت مهدی(عج) حضرت فاطمه(س) است. مقام حضرت زهرا برای اندیشه است. ایشان پشت پرده نبوت هستند. تا کسی به مقام نبوت نرسیده باشد نمی‌تواند حضرت فاطمه(س) را بشناسد. شخصیت ایشان بسیار بزرگ است و متأسفانه ما آن را درک نمی‌کنیم و نمی‌فهمیم». * **نفس پیر عارف، جان‌ها را سیراب می‌کند** حاج‌آقا روی صندلی‌اش درنگ می‌کند. بحث جدی‌تر از قبل شده. گویا می‌خواهد خبری را به سمع حضار برساند. جوانان با نگاهی پر از عشق به حاج‌آقا چشم دوخته‌اند و منتظرند تا بحث از سر گرفته شود. حاج‌آقا سر را بالا می‌گیرد و می‌گوید: «؛حضرت فاطمه(س) جایگاه بسیار والایی نزد پروردگار دارند. ایشان بیت‌الذکر و مادر قرآن هستند. وقتی خدا می‌خواست نورش را از آسمان به زمین منتقل کند، پیامبر(ص) را به معراج برد. پیامبر(ص) به میهمانی خدا می‌روند و پروردگار سببی را به ایشان می‌دهد. حضرت از آن سبب میل می‌فرمایند. از شکافتن آن سبب نوری در زمین و آسمان پخش می‌شود که در آسمان‌ها به تجلی آن نور «؛منصوره» گفته می‌شود و در زمین «؛فاطمه» نام گرفته». همه سراپا گوش شده‌اند. حاج‌آقا آنچنان که باید آسان صحبت نمی‌کند. به همین دلیل است که با لحن شیرین قزوینی‌اش مطلب را تکه‌تکه می‌کند و توضیح مبسوطی می‌دهد تا اینکه احساس کند از جوان گرفته تا پیر نسبت به سطح سواد خودش مطلب را درک کرده. حاج‌آقا با لحنی مهربانانه‌تر ادامه می‌دهد: «؛پیامبر(ص) به زمین برمی‌گردند. به ایشان فرمان می‌دهند تا 40 روز از خانه و حضرت خدیجه(س) دور باشد و تنها به سر برد. پیامبر(ص) هم در غار حرا اعتکاف می‌کنند. روز چهارم میکائیل و جبرئیل با یک طبق غذای بهشتی خدمت رسول‌الله(ص)

می‌رسند. حضرت از آن میل می‌کنند و کم‌کم شرایط مهیا می‌شود تا ایشان سراغ خانه و حضرت خدیجه(س) بروند. بعد از این مرحله وقت آن است که نطفه حضرت زهرا(س) به طور کامل بسته شود». حاج آقا طوری حرف می‌زند که انگار این داستان را بارها شنیده‌ایم چراکه مطلب طعم دیگری به خود گرفته. * **توسل؛ نقطه پایان نشست‌حال و هوای جلسه نشان می‌دهد که انتهای وصل به معارف اسلامی جلسه دوشنبه‌شب فرا رسیده.** حاج آقا تجلی دوم حضرت زهرا(س) را به آرامی توضیح می‌دهد و می‌گوید: «#مرحله دوم با آمدن پیامبر(ص) روی زمین صورت گرفت. ایشان وقتی به دنیا آمدند، نوری به تمام عالم ساطع شد و عالم از این نور روشن شد. ان‌شاءالله این نور به دست فرزند خلف‌شان امام زمان(عج) دوباره فراگیر شود. البته حضرت فاطمه(س) آنچنان حجابی در این دنیا داشتند که همه نتوانستند ایشان را بشناسند. ایشان در آخرت هم حجاب خاصی دارند که ما از درک آن عاجز خواهیم بود». مطالب آخر پیش‌درآمد دعای توسل است. آیت‌الله ضیاء‌آبادی یکبارچه التماس و خواهش می‌شود و توسل عجیبی به امام زمان(عج) و مادرشان می‌کند و تمامی حضار یکبارچه با صدای او آمین می‌گویند.